



کفرانی قازار سیمویان در کلوب مرکزی حزب توده ایران

### انتخابات ارمنه جنوب

#### چگونه انجام گرفت

۱. اکنون تفصیلی جریان انتخابات پرداخته سعی خواهیم کرد بانگات دقیق از همان اوایل اعلان انتخابات، اکثریت ملت ارمنه نسبت بکنایت حزب توده ایران علاقه خاصی وتیایل شدیدی نشان داد و این علاقه وتیایل به اندازه بود که مبالغ بزرگی که از طرف رقیب ما برای رسیدن بقصد چپ و راست خرج میشد کوچکترین تأثیری در نتیجه انتخابات نداشت باین معنی که رای دهندگان ارمنه حاضر نشدند آراء خود گم گم حیات فریدی از افراد ملت است در مقابل پول بی فروشی. بی تأثیر بودن پول چند طهران و چند شهرهای دیگر دهات ارمنه بیکر آزمایش شد در ردیف تأثیر پول تأثیر تهدید وفشار وشکنجه وجسی و اسلحه هم آزمایش شد ولی باز هم مخالفین ما از این تثبیت نتیجه ای نبردند.

ما باید گوشه زد که همین آزمایشها سبب شده که عمال رقیب ما مردرها در بعضی نقاط دورای دادن خود آزاد بگردانند و اجرای تدابیر و نقشه های خود را بروز نتم انتخابات موقوف کنند تا بتوانند حق را که موقوف شده بودند از افراد ملت ارمنه بخرند از صنوفی انتخاباتی بزدند.

باری، انتخابات ارمنه شروع شد و هر چند روز یک بار از شهرهای مختلف جنوب ایران انگار فکات ونامه های بی مرکز رسیده که موافقت کامل قازار سیمویان را اطلاع میداند. در ضمن انتخابات مرکز هم شروع شد و با همکاری و حسن استقبال اکثریت ساکنین مرکز قازار سیمویان حاضر اکثریت قاطع و سرکچی آوری (البته برای اکثر آقاییان) شد. انتخابات شهرها تقریباً تمام یافت و ترتیب و چگونگی آن در همین حال میزان تیایل ساکنین شهرها ایتمند و مختلف قاط جنوب ایران با کوچکترین وقت در اقدام ذیل هویدا و روشن خواهد بود.

تهران	قازار سیمویان	دکتر آقاییان
۲۷۸۱	۲۷۸۱	۱۸۸
۳۰۳	۳۰۳	۲
۴۶۰	۴۶۰	۸
۹۷	۹۷	میچ
۹	۹	۱
۱۰۹	۱۰۹	میچ
۵۴۰	۵۴۰	۲۱۵
۲۷۵	۲۷۵	۲۲
۵۴۲	۵۴۲	۵
۱۳۸	۱۳۸	۳
۵۲۶	۵۲۶	دکتر آقاییان ۴۴۴

رتقاء اوقام بالا است اما سگت اد تکلم دارد. اوقام بالا زنده وناطق اند. اوقام بالا ثابت میکشند شهر نشینان ملت ارمنه یعنی نامثیری که نسبتاً روشن فکرتر ومطمئن تر، معاصری که در جریانات ملی از آثار آشترت و روششن هستند آراء خود را یعنی تقریباً ۹۷ درصد کلیه آراء اذاعت دشورا به قازار سیمویان داده و آوا خود نماینده حقیقی خود استقبال کرده اند. اوقام بالا در ضمن حال ثابت میکشند که ملت ارمنه و کثر آقاییان را چون یک عنصر ضد و نالایق، چون عنصر بیگانه و نامطلوب تحریم کرده و اورا از منطقه نظر ملی محکوم نموده است. رتقاء این اوقام میکشند، این اوقام فریاد میکشند، این اوقام حکم میکشند... وضعیت بالا کاملاً مشخص میسازد که در نقاطی که متوسل شدن با اقدامات غیر قانونی میسر نبود قازار سیمویان حاضر اکثریت تام بوده و نقطه دوسه نقطه یعنی چهار محال و فریقین و الیگودرز در نتیجه یک سلطه عملیات نامشروع اکثریت مجبوری برای دکتر آقاییان یافته اند که آن هم از طرف انجمن نظارت مرکزی واسطه ایرادات ذیل که در قانونی بودن انتخابات سوزهای مذکور ثابت و مدال میسازد تحت رسیدگی در آمد.

### جریان انتخابات چهار محال

صرف نظر از اینکه طبق اطلاعات ومکانات واسله اصلا در آن محل انتخابات صورت نگرفته و در این زمینه شکایات زیادیه در پر و پنجه موجود است ولی قدر مسلم این است که کلیه ارمنه این محل از حیث مرد و زن و بچه و بچه ۳۰۰۰ نفر پیش نیوده در نتیجه نتیواسنست ۱۷۱۳ نفر انتخاب کننده داشته باشد. تکران تعیین نمایندگان جلما و خلیفه گیری که کلیه آورا آن مجال توسط آنها اداره میشود و تمام کامل و صحیح در دست دارندت مصدق این قسمت بوده و اسرار و اسرار این تکرانات در پر و پنجه انتخاباتی و در وزارت کشور موجود است در ضمن حال آقایی فریبور هاکویان رئیس هیئت ارمنه مرکز ضعیفا و تلکرافی به خلیفه گیری کرده و رسماً راجع بتوفیق چهار محال توضیحاتی خواسته اند

## روزنامه رسان لازم است

یکنفر روزنامه رسان استخدام کردیم و یکنفر دیگر نیزیکه در جرحه داشته باشد مورد نیاز است او طلبان دفتر نجات ایران یا به تلفون اداره ۸۷۶۸ مراجعه نمایند.

ترجمه و نگارش صادق خاتمی ساروی

## رزالیما

در آن دقیقه وصف نکردی کرام از جواب باز مانده بودولی بزودی احساسات خود را جمع کرد و بانگت زبان پاسخ داد.

من از اینستاگه استون تا اینجا بهر راه شما هستم . کرام که از گوگه های سرخ و رنگ پریده درین حال باوقار و زیبای رزالیما بی اندازه تمیزک شده بود. احساسات عشق آمیزش نزدیک بود اورا بزیر پای رزالیما اندازد . رزالیما نیز باچشمات زیباو لطیفش لب کرام را بیش از پیش در برابر چهره جان میگرد . در آن ساعت بیشتر از همیشه در نظرهاو زیبا جلوه گر شده بود .

دوشیزه شجاع بزودی خوسریدی ومناجات خویش را بدست آورد و باصدا میگوید که کرام را جادوی یکسرد شروع برف زدن نمود .

این از نجابت نظری وحسن نظر نظیر شامات آقایی فریبور شامرد غارق العاده ای هستیم امیدوارم روزی برسد که زحمات شمارا لایق کنم کرام که مانند افاضات صبر شده با نگاه بیگانه بآرامی پاسخ داد .

قبل از همه چز شما عرض کنم که هیچ خواهشی بجز بیک چیز از شما ندارم و آن آبتست کبهن اجازه دهید تا در کارها معاونت کمک شما باشم و نیز آن چه که در اینستاگه استون بین شماو نا بدترین اتفاق افتاد بخوبی دیدم .

از ساری

### (مشکلات اجتماع)

شهر ساری مردمان بیگس و بیگار دارد

لات دارد لوط دارد ارقه و بی عار دارد

مست و جا قو کش در این شهر نه افزون از شماره

کرچه دیگر شهرها چاقو کش بسیار دارد

یه هر کسی رغب این ذات چو جویم باز گوید:

«روز گزاراست اینکه که عزت دمه که خوار دارد»

جادوها در شهرها رختخته از اسفالت باشند

لیک ساری چاده های پست نا هوار دارد

در مقام کاشهای شیک دیگر شایر ها بین

شهر ساری چند صد بیغوله جای مار دارد

تدرستی باشد از مردم گریزان چونکه ساری

مردمی کوروشل و اکبیر و نا هنجار دارد

آبهای جوی ما آلوده و نسازک باشند

مر سامان شهر را نا باکیش بیسار دارد

از اکابر هم نشد حاصل نتیجه چون اساسراً

هر که را بینی ز بسک علمو دانش عار دارد

داشت مینباید مشام جان ز عطر علم بویا

این تر آن عطر بیست کاندلر طبله خود طصار داد

سخنی آرد تنبلی جوانیکه حظل راست تلفی

شهر دار چوانیکه شکر - واختر را کار دارد

کیما از خاک ملک ما فراوان خیزد اسماً

کار کشت وز زرع را هر کسی که بینی خوار دارد

مشکلات اجتناب ما هزاران است و بکتن

نیست هرگز کسوز آسانی دشوار دارد

دود آهرد نماندست و اشک پیر زنها

گر سپهر این تیرگی وان ناست بسیار دارد

هنتی باید برون آید که دستم ز آستینی

ورنه (پهروزی) از رگی اینبشه گنکار دارد

(ساری - محمود پهروزی)

نجات ایران - چون در باب مشکلات زندگی و بدی اوضاع آنچه که با

شرونوشته شده و میشود اثر مخصوصی نیستیکه اینک بنظم توسل جست وامی. است که

شکایت با نظم ایجاد نظمی نماید .

## دفتر و کالت

### و مشاوره امور قضائی

دفتر وکالت و مشاوره امور قضائی آقای فرورزش وکیل درجه اول داد کستری و مدیر این روزنامه باشنای ایام تعطیل همه روزه از ساعت ۵ تا ۸ بعد از ظهر در محل هیشگی خود (خیابان فردوسی) مفتوح و دائر است - وکالت مراجعین مخترم در دفاع از اتهامات کفری خاصه در دیوان کفر کارکنان دولت و همچنین مراجعات حقوقی پذیرفته میشود .

نشانی : (خیابان فردوسی) تلفون ۸۷۶۸

### نجات ایران

تلفون  
بهای اشتراك سالیانه  
شش ماهه  
سه ماهه  
تکلیفات بهای نواع خصوصی با اداره است

## چاپخانه مظاهری

تلفن - ۸۹۵۶

## وزارت بهداری

### در خواب خوش

بقیه از صفحه اول

آیا زمامداران و سران قوم ما میدانند و بروی خود قیابورند و یا میدانندت و همه در فکر آسایش خود هستند ؟

معلوم نیست تا چند باید دچار هزاران گونه بلیات و عذاب جسمی و روحی باشیم ؟

مشکلات زندگی روز بروز سخت تر و طاقت فراستر میشود . در زیر بنبیه منحوس دیو ا دیوار و بریشانی که با سختترین و تحمل ناپذیرترین نیروی خود

حلقوم ما بیچارگان و بی پناهان حقیقی را میفشارد جای شکفت است که باز هم رمقی شریف در خود داریم و نیم نفسی بجزر و ذلت بیرون میدیم .

آری ما باید تا کنون بکلی مقررش و تارو مار شده و بنده منتهاهی از هبوطشان خود که بر اثر هزاران گونه علل و اسباب فراهم شده از افکار علیل و ناتوان

ما از صحه حیات اجتماعی خارج شده اند بیوسه شده باشیم . حالا هم اگر وضع بدبینیوال باشد دیر یا زود باید فاقه زندگی را بخواند - باید مرگ را

را منتظر بود که چه وقت بسراغ بقیه این قبرستان بی سرو صدا شناخته و آخرین پرتو حیات را در این صحنه مرگبار خاموش کند .

هیچکس وظیفه خود آشنا نیست و همین عدم وظیفه شناسی خود عامل بزرگی است که مصاب و مشکلات را روز بروز زیادتر کنشو بردحت و شدت

آن یغراید . از جاییکه فریاد هزارها نفر از بیماری و بموانی از تحقظی و کفرانی از فقر و استمیل - از لغتی و برهنگی اسامان هتمت میرسد طبقه تحصیل کرده و

آداب دان و سایر مصادر مستمول ما دست از منطله و منقله - از مجامله و تعارف - از محافظه کاری و مدهانه - از بی قیدی و بی تگری - از تظاهر و فریب

دادن بر نیندازند . شکفته که اینجا چه میجویند و ما چه میخواهیم ؟ همه میگویند ولی عمل نینکنند . رفتار کمالا بر خلاف گفتار و گفتار

بمکن رفتار است . خودمان نیدانیم با این افکار مشتجع و عقاید متضاد و مخالف چه راهی در پیش خواهیم داشت ؟ راستی که از زندگی بسنه آمده ایم . . .

ساری - محمود پهروزی

## در ریست هزار نسخه آگهی های بزرگ شمارا منتشر می کنیم

چهارده مقاله نجات ایران تحت عنوان ( ما و سید ضیاءالدین ) تا پایان این هفته در ریست هزار نسخه بکش میشود و این بزرگترین رقم یک نشریه ای در کشور ایران است . برای آشنایان صاحبان آگهی های مهم تجارنی از اینت

از کابون بی نظیر استفاده کنند در چند هفته آخر این رساله آگهی های مهم . سفارش دهندگان شرکیته و تجارتخانه های بزرگ را میبزریم - فرصت فقط تا ۲۶

خرداد است تشخیصی کیمتا با دفتر اداره است اوقات مراجعه از ۵ تا ۸ بعد از ظهر در دفتر نجات ایران واقع درخیابان فردوسی است .

بدیهی است کسانی که از مهمترین آگهی های بازرگانی و غیره بخواهند مستحضرباشند این رساله را خواهند خرید .

## مجموعه نفیس یا هدیه آزادگان

روز ۲۷ و چب برابر با ۲۸ تیر مصادف با هجت مبارک حضرت رسول محمد صلی الله علیه و آله و جیدید سال هجوزنامه آزادگان است .

اداره روزنامه آزادگان بناسبت ورود به سال نوزدهم در این روزموسود که بزرگترین جشنهای اسلامی است مجموعه نفیس و گرانبهای بهبوطان عزیز

اهداء و تقدیم خواهند نمود این مجموعه نفیس حاوی مطالب متنوع ادبی، تاریخی تاریخی، سیاسی است و مجاواز از دوست عکس از بزرگترین رجال تاریخی

گذشته و فعلی ایران و دنیا و همچنین مناظر جنگی و غیر جنگی را داراست . در صفحات متعدد الوان و با کاغذ اعلا چاپ و منتشر خواهد شد .

صفحه اول آن بناسبت روز بکش برای تین و تبرک مزین بتعال حضرت خاتم الانبیا محمد صلی الله علیه و آله میباشد . چون این تمثال از روی دقیقترین عکسهای

منسوب بانحضرت که در دسترس است تهیه شده سزاوار است که خوانندگان محترم و معتقدین بآن حضرت آن صفحه را از مجموعه جدا و برای تبرک قاب

و تکبهداری نمایند . بهای این مجموعه نفیس ۱۵ ریال است هرکس از هرجا ۱۵ ریال اسکناس

بآدرس « تهران - خیابان برق - روزنامه آزادگان » بفرستد فوراً وسوسله پست یک نسخه از مجموعه بمیرود برای او فرستاده خواهد شد .

## دفتر آزادگان

آری، آری من بشما اطمینان قلبی دارم ولی این وقایع بی اندازه اسرار آمیز است بالاخره شما بالآخره شما آبینخته میشوید برای من دنیایی میارزد . آموختنی که تابوت آتشب و جسد بیروح شادها بغاظر میاورم تمام اعضاء بدتم بلرزه در میانند .

آه... بلی آنشب بی اندازه وحشتناک بود البته شما شنیده بودید که دست بدرب

زدم؛ بلی ، اما من قبل از آنکه شما دست بدرب بزیند یک دقه نیز باطن شما آمده بودم .

قبل از آن برای چه آمده بودید ؟ لرزشی سربابی کرام را تکان داد زیرا در آنجا نمانده است که چه پاسخی باید بدهد شما آهسته بآهنگ آبینخته بشوید و جیباکت :

زیرا میل داشتم که شمارا برای آخرین بار ببینم . شما باید مرا ببخشید زیرا واقعه مرگ شما عقل و هوش از سرم بروده بود و نیندانشتم که چه میکنم من در پوش از روی تابوت برداشتم و جسد بیجان شمارا دیدم .

رزالیما چشماترا بر زمین دوخته بود و در بایش او ای چیزی نینگفت معاد نبود که در آن دقیقه دوشیزه یکسره چه میاندیشد ولی پس از ایش سگوتس سر برداشت

و در حالیکه اشک بندر مژگان بلندش حلقه زده بود آهسته گفت : آبا شما بیچاره که آتش بن بن گفته بودید حقیت دارد :

کرام با آهنگ اطمینان بخشی گفت :

که شمارا دوست دارم ، من آتش گرفته بودم که شمارا دوست دارم ولی اکنون میگویم شما را دوست ندارم بلکه مانند یک الهه نیکو کار شمارا میبیزسم

من هنوز در زندگی خود کسی را مانند شما دوست نداشته ام . اما شما اکنون باین موضوع فکر میگردید .